

مبعوث

ویژه نامه ۱۳ آبان ۱۴۰۴

میرده آبان

پیشگاه دانشجویی
دانشگاه حکیمیه تهران





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشخصات

مبعوث _ ویژه نامه ۱۳ آبان ۱۴۰۴

منتشر کننده: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس الزهرا (س) زنجان

مدیر مسئول: سیده فاطمه پورسید

سر دبیر: انسیه عبدالملکی

طراح و صفحه آرا: زهرارزاقی

هیئت تحریریه: انسیه عبدالملکی،

مبینا عالمی، سلوا عزیزی، فاطمه پایزچیان،

کیمیا قلندری، مائده حری، زهرا جعفری

ویراستار: انسیه عبدالملکی

فهرست مطالب



۴	پیش‌گفتار
۵	فریاد خروشان راز و نیاز درویشی دل سوخته
۶	تا ظلم هست، مبارزه هست
۷	شعر ایران
۸	از فهمیده تا فهم فداکاری
۹	چراغ آگاهی در دست جوانان
۱۰	مستند اینجا سفارت نیست!
۱۱	دانشجو فقط درس نمی‌خواند، او تاریخ می‌سازد
۱۲	آغاز غربت، طلوع بیداری
۱۳	رویای لاله در آغوش کاغذ
۱۴	سخن پایانی



سخن مدیر مسئول

سیزدهم آبان، تجلی گاه عزم راسخ ملت ایران در برابر استکبار جهانی است. در چنین روزی، دانشجویان مسلمان و انقلابی، با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، مشتی محکم بر دهان شیطان بزرگ کوبیدند و جهان را با قدرت ایمان و اراده ملتی بیدار روبرو کردند. تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، تنها یک اقدام نمادین نبود؛ بلکه فریاد اعتراض ملتی بود که از دخالت‌ها و توطئه‌های آمریکا به ستوه آمده بود. این اقدام شجاعانه، پرده از چهره واقعی استکبار جهانی برداشت و اسناد متعددی از فعالیت‌های جاسوسی و توطئه‌های دشمن را آشکار کرد.

امروز نیز پس از گذشت سال‌ها، این حماسه بزرگ، برای نسل جوان ما درس عزت، استقلال و دشمن‌شناسی است. جوانان غیور ایران اسلامی ثابت کرده‌اند که در میدان علم و فناوری نیز همانند عرصه مبارزه با استکبار، سربازانی پیرو خط امام و شهدا هستند. ما دانشجویان و فرهیختگان ایران اسلامی، با اقتدا به روحیه استکبارستیزی تسخیرکنندگان لانه جاسوسی، بار دیگر بر عهد خود با آرمان‌های والای انقلاب اسلامی پایبندی می‌کنیم و فریاد می‌زنیم:

مرگ بر آمریکا

یاد و خاطره شهدای تسخیر لانه جاسوسی گرامی باد.

سیده فاطمه پورسید

سخن سردبیر

بسم رب الشهداء و الصدیقین

گاه لازم است میان شتاب لحظات زندگی، اندکی مکث کنیم؛ نگاهی دوباره بیندازیم به ارزش‌هایی که مسیرمان را روشن می‌کنند. این نشریه، تلاشی است برای همین مکث آگاهانه؛ جایی برای اندیشیدن، گفتگو و رشد. باور داریم هر قلم، اگر از سر آگاهی و مسئولیت بتراود، می‌تواند ماه باشد در دل تاریکی‌ها.

سیزدهم آبان، تنها یک مناسبت در تقویم نیست؛ نماد بیداری ملتی است که آموخت «ایستادگی» کلید عزت است.

در این روز، دانش‌آموزان، دانشجویان و مردم ایران یک صدا را فریاد زدند؛ صدای ایمان، مقاومت و بیداری؛ امروز هر کس قلمش در مسیر آگاهی حرکت میکند، ادامه دهنده همان فریاد است.

نشریه حاضر ادای دینی است به آن فریادهای آگاهی‌بخش و تلاشی برای زنده نگه داشتن روح استکبارستیزی در میان نسل‌های آینده.

پس بیایید با هم بنویسیم و بسازیم.

انسیه عبدالملکی



فریاد خروشان راز و نیاز درویشی دل سوخته

چه زیباست؛
راز و نیاز درویشی دل سوخته و ناامید در نیمه شب،
فریاد خروشان انقلابی از جان گذشته در دهان اژدهای مرگ،
اعتراض خشونت بار مظلومی زیر شمشیر ستمگر،
اشک سردیاس و شکست بر رخساره زرد دل شکسته ای، در میان برادران
به خاک و خون غلتیده؛
و فریاد پر شکوه حق، از حلقوم مردی از جان گذشته علیه ستمگران روزگار،
چه خوش است؛
دست از جان شستن و دنیا را سه طلاقه کردن،
از همه قید و بندهای اسارت حیات آزاد شدن،
بی هیچ بیم و امیدی علیه ستمگران جنگیدن،
پرچم حق را در صحنه خطر و مرگ برافراشتن،
به همه طاغوت ها نه گفتن،
و با سرور و غیرت به استقبال شهادت رفتن.



کیمیا قلندری

تا ظلم هست، مبارزه هست

۱۳ آبان، فقط یک روز در تقویم نیست؛ روایت قیام است، روایت غیرت ملتی است که از میان طوفان عزت را برافراشت. این روز، پژواک فریاد جوانانی است که با تکیه بر ایمان، در دل دشمن تاختند و به جهان نشان دادند که میشود در برابر ظلم ایستاد و نترسید. یادآور فریادی است که از عمق ایمان و غیرت برخاست؛ فریادی علیه ظلم، تحقیر و سلطه جویی. از همان روزی که جوانان مؤمن و انقلابی این سرزمین، لانه ی جاسوسی آمریکا را در هم شکستند، جبهه ی حق در برابر استکبار قد برافراشت و جهانیان فهمیدند که ملتها میتوانند برخیزند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، استکبارستیزی، ستون استوار هویت انقلاب اسلامی است؛ نه فریادی هیجانی، بلکه شعوری عمیق، برخاسته از ایمان به خدا و اعتماد به وعده ی الهی. ایشان بارها فرموده اند: استکبارستیزی یعنی نپذیرفتن سلطه ی ظالمان، یعنی پاسداری از عزت و استقلال، یعنی همان روحی که انقلاب را زنده نگه داشته است. استکبارستیزی یعنی نپذیرفتن زورگویی و سلطه طلبی قدرتهای جهانی؛ یعنی ایستادگی بر استقلال و عزت ملی.

در منطق رهبری، استکبار تنها چهره یک دولت یا قدرت نیست؛ هر کس که بخواهد اراده ی ملتها را در زنجیر ببندد، هر قدرتی که بخواهد بر جان و ایمان انسانها سایه بیفکند، مصداق استکبار است. رهبر انقلاب، ملت ایران را پرچمدار جهاد بزرگ نه گفتن به این سلطه می دانند؛ ملتی که با تکیه بر ایمان، علم و بصیرت، اجازه نمی دهد دوباره به زنجیر وابستگی کشیده شود.

رهبر انقلاب، استکبارستیزی را نبردی آگاهانه، فرهنگی و تمدنی میدانند؛ نبردی برای حفظ کرامت انسان و پاسداری از نور ایمان در دل تاریخ. ایشان میفرمایند: مبارزه با استکبار، همان ایستادن پای حق است؛ یعنی نترسیدن از قدرتها و باور به اینکه خداوند بالاتر از همه ی قدرت هاست. استکبارستیزی در این مکتب، ستیزه جویی کور نیست؛ بلکه دفاعی آگاهانه

و عزتمندانه از کرامت انسان است. ۱۳ آبان یادآور آن لحظه است که دیوارهای لانه ی جاسوسی فرو ریخت و دیوار ترس نیز با آن شکست. از همان روز، ملت ایران دیگر ملت دیروز نبود. روح مقاومت در رگ هایش دوید، و نه او به آمریکا، آغازی شد بر بیداری ملتهای مظلوم جهان. استکبارستیزی از دید رهبر انقلاب، تنها در میدان سیاست معنا نمی شود؛ بلکه در هر جایی که روح آزادگی، غیرت، علم و ایمان با هم هم پیمان شوند، آنجا جبهه ی استکبار می لرزد. هر جوان مؤمن، هر دانش آموز عدالت خواه، هر زن و مرد آزاده ای که در برابر ظلم می ایستد، سنگری از این جبهه ی مقدس است. این مبارزه ریشه در قرآن دارد؛ همانجا که خداوند می فرماید:

«فَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»

و وعده می دهد که راهی بر مؤمنان نخواهد گشود جز راه پیروزی. ۱۳ آبان، روز تجدید پیمان با خون شهیدان است؛ روزی که از لابه لای صفحات تاریخ، صدایی می آید که می گوید: تا ظلم هست، مبارزه هست؛ و تا استکبار هست، ایستادگی ادامه دارد. این فریاد، فریاد ملتی است که هرگز خسته نمی شود، ملتی که رهبرش به او آموخته است اگر ملت بایستد، هیچ قدرتی در جهان توان زانو زدنش را ندارد؛ پس ما ایستاده ایم؛ با قلبی سرشار از ایمان، با نگاهی روشن به آینده، و با دستانی که پرچم عزت، استقلال و ولایت را تا قله های تاریخ بالا خواهند برد. این است معنای حقیقی استکبارستیزی از نگاه رهبری: جهاد دائمی برای حفظ کرامت انسان، و فریاد جاودان آزادی بر بلندای جهان.



رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرمایند:

امروز هرجا فریاد علیه ظلم بلند می شود، پژواک فریاد ملت ایران است. استکبارستیزی جزو ذات انقلاب اسلامی است؛ اگر این روحیه از بین برود، انقلاب بی معنا می شود.



ویژه نامه روز دانش آموز و روز ملی مبارزه با استکبار جهانی
پاییز ۱۴۰۴

شعر ایران

مبنا عالمی

پشت هر میز پای هر تخته
بخشی از سرنوشت ایران است

کوچک اما پر از بزرگی هاست
نام او کودک دبستان است

دانش آموز نه، که دانش ساز
مولوی، بوعلی دوران است

هنر و شعر و دانش و منطق
جای او در صف بزرگان است

پنجه در پنجه های استکبار
نام او گویی از دلیران است

کوچک جنگلی، سلیمانی
نکند او هم از شهیدان است؟!

گاه مشغول درس و هندسه است
راوی پیشرفت ایران است

مادر و همسر و پدر شاید
هر کجا نقش او درخشان است

نام او را اگر که میخواهی
دانش آموز نه، که ایران است!



ویژه نامه روز دانش آموز و روز ملی مبارزه با استکبار جهانی
پاییز ۱۴۰۴



از فهمیده تا فهم فداکاری

قائش کوتاه بود
اما چون کوه محکم،
بادستانی کوچک
و قلبی بزرگتر از وطن،
فریاد زد:
اگر من نایستم،
وطن می افتد
اکنون هر جوانی که
از عشق وطن می گوید،
سطری تازه است
از ادامه ی او



شهید محمد حسین
فهمیده، فرزند محمد
تقی در سال 1346 در
خانواده ای مذهبی در
محله پامنار شهر قم
چشم به جهان گشود.
وی دوران کودکی را
همراه سایر فرزندان
خانواده و در کنار
برادرش داوود که وی
نیز 3 سال بعد از
شهادت محمد حسین
شهید شد، سپری کرد.

فرازی از وصیت نامه شهید

من به جبهه میروم و امید آن
دارم که پدر و مادرم ناراحت
نباشند حتی اگر شهید شدم،
چون من هدف خود را و راه
خود را تعیین کرده ام و
امیدوارم که پیروز هم بشوم.

محمدرضا شمس، دوست و همسنگر حسین زخمی می شود و حسین با
سختی و زحمت زیاد او را به پشت خط میرساند و مجدداً به سنگر خود
برمیگردد و می بیند که تانک های عراقی به طرف رزمندگان اسلام هجوم
آورده و در صدد محاصره اند. حسین در حالی که تعدادی نارنجک به کمرش
بسته و در دستش گرفته بود به طرف تانک ها حرکت می کند؛
تیری به پای او می خورد و از ناحیه ی پا مجروح می شود اما بدون هیچ ترس
و تردیدی تصمیمش را عملی کرده و خود را به تانک پیش رو می رساند و آن
را منفجر می کند و خود نیز تکه تکه می شود.

انسیه عبدالملکی

کیما قلندری

چراغ آگاهی در دست جوانان

چراغ آگاهی در دست جوانان

جهان مابه چراغ جوانی ات روشن است

مشو خמוש، که فریاد تو تا دم وطن است

۱۳ آبان، تنها یک روز در تقویم نیست؛ روزی است که برگهای تاریخ از خون و آگاهی رنگ گرفتند. روزی که دانش آموزان این سرزمین، با دستانی کوچک اما دلپایی بزرگ، معنای دانایی، شجاعت و ایمان را در عمل به تصویر کشیدند.

در چنین روزی از سال ۱۳۵۷، در آن صبح سرد پاییزی، هنگامی که آفتاب هنوز به تمامی از پس ابرها برنخاسته بود، دانش آموزان بسیاری، از گوشه و کنار تهران گرد هم آمدند تا در اعتراض به بی عدالتی و در حمایت از حرکت مردمی آن دوران، صدای اعتراض و بیداری خویش را در محوطه ی دانشگاه تهران طنین انداز کنند.

آنان، نوجوانانی بودند با دلی سرشار از عشق به میهن و ایمانی استوار به عدالت؛ نسلی که نمیخواست تماشاگر ظلم باشد؛ اما گلوله های بی رحم، سطرهای نانوشته ی زندگیشان را در همان صبح سرد پاییزی بست. گلوله های ظلم، جوانی شان را برید؛ و خون پاکشان، بر سنگ فرش خیابانها جاری شد تا از آن خون، نهال بیداری روید و نهال آزادی سر برآورد. نهالی که بعدها درخت تنومند انقلاب شد.

۱۳ آبان از آن پس در یادها ماند، نه تنها به عنوان روزی خونین، بلکه به عنوان روز آگاهی، ایستادگی و شجاعت نسل دانش آموز. روزی که نوجوانان ثابت کردند کوچک بودن به معنی بی اثر بودن نیست. آنان نشان دادند که آینده را آنانی میسازند

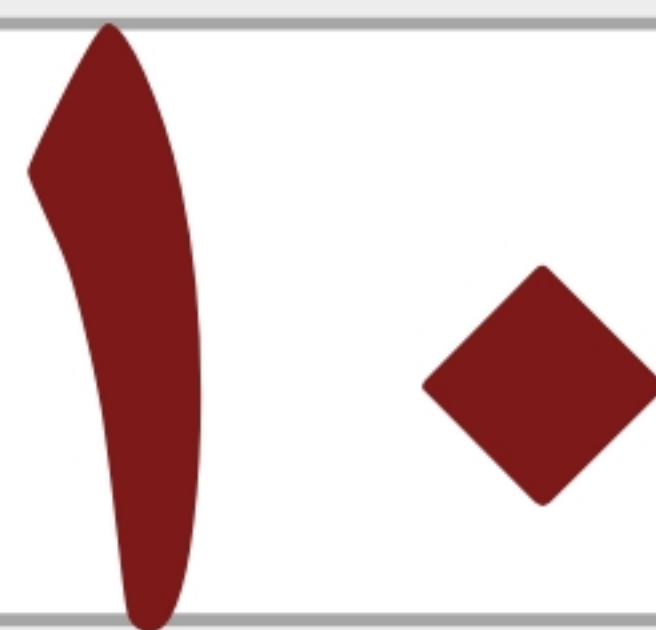
که جرات گفتن و خواستن دارند.

این روز، فلسفه ای فراتر از تاریخ دارد؛ پیامی جاودانه است برای هر نسلی که در پی دانایی و عدالت است. روز دانش آموز یادمان می آورد که مدرسه، فقط جای درس و نمره نیست؛ کانونی است برای پرورش روح، اندیشه و مسئولیت و خاستگاه آگاهی. مکانی که در آن، بذر اندیشه و آزادی در دلهای جوان کاشته می شود.

۱۳ آبان روزی است که یادمان می آورد چگونه نسل نوجوان، با ایمان و اندیشه، میتواند پایه های تاریخ را بلرزاند. هر کلاس، دریچه ای است به سوی شناخت و هر دانش آموز، مشعلی است که اگر افروخته بماند، تاریکی جهل را میشکند و راه آینده را روشن می سازد. فلسفه ی روز دانش آموز، ستایش انسان آگاه است؛ انسانی که می اندیشد، می پرسد و می سازد. این روز، یادمان می آورد که در هر کلاس ساده، در پشت هر نیمکت چوبی، قلبی می تپد که میتواند فردای کشور را روشن کند. ۱۳ آبان، روزی است که به ما می آموزد قلم میتواند از شمشیر برنده تر باشد، و آگاهی، از هر قدرتی نیرومندتر. این روز، روز پاسداشت آنان است که با ایمان و ایثار، درس آزادی را نه از کتاب، بلکه از جان خود آموختند. فریاد نه گفتن به نادانی است، زمزمه ی ایمان به انسانیت و عهدی است میان نسلها برای پاسداری از نور دانایی. در آن روزهای پرغوغای پاییز، دانش آموزان نه با خشم، که با باور، به میدان آمدند و درس عشق به میهن را از دل دفترها به خیابانهای تاریخ بردند؛ پس ما به احترام آنان می ایستیم؛ به احترام دلهای جوانی که با شور و آگاهی، معنای واقعی آزادگی را در کتاب زندگی نوشتند. بیایید به یاد تمام آن دلهای جوان، با خود عهد کنیم که چراغ دانایی را روشن نگه داریم، بیپرسیم، بفهمیم و بسازیم. در مسیر علم و آگاهی بایستیم و صدای حق طلبی و حقیقت جویی را در گوش زمان زنده نگه داریم.

۱۳ آبان، روز دانش آموز، روزی است که به ما میگوید آینده از دل مدرسه می روید، از اندیشه ی جوان شکل می گیرد و با صدای پرسشگر دانش آموز ادامه می یابد.

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم
موجیم که آسودگی ما عدم ماست



ساخت و مضمون کلی

موضوع درباره ی تسخیر سفارت آمریکا در تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ است. این مستند با اسناد واقعی و فیلم های آرشیوی ساخته شده است. در ابتدای مستند، وضعیت ایران پس از انقلاب اسلامی توضیح داده می شود، سپس نقش آمریکا در دخالت های سیاسی و جاسوسی در ایران نشان داده می شود. مستند بیان می کند که سفارت آمریکا فقط محل کار دیپلمات ها نبود؛ بلکه مرکزی برای جاسوسی و جمع آوری اطلاعات محرمانه ایران بود. دانشجویان پیرو خط امام تصمیم گرفتند برای جلوگیری از این فعالیت ها اقدام کنند، در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ وارد سفارت شدند و آن را [لانه جاسوسی] نامیدند؛ در این رویداد، ۵۲ آمریکایی به گروگان گرفته شدند. مستند گفت و گوهایی با دانشجویان حاضر در آن واقعه دارد همچنین خاطرات و دیدگاه گروگان های آمریکایی هم پخش می شود. اسناد پیدا شده در سفارت، نشان دهنده ی دخالت آمریکا در امور داخلی ایران بود و این اسناد بعدها در قالب کتاب هایی به نام "اسناد لانه جاسوسی" منتشر شدند.

معرفی فیلم



روایت مستند هفت قسمتی
درباره تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در
ایران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸

چرا ((اینجا سفارت نیست))؟

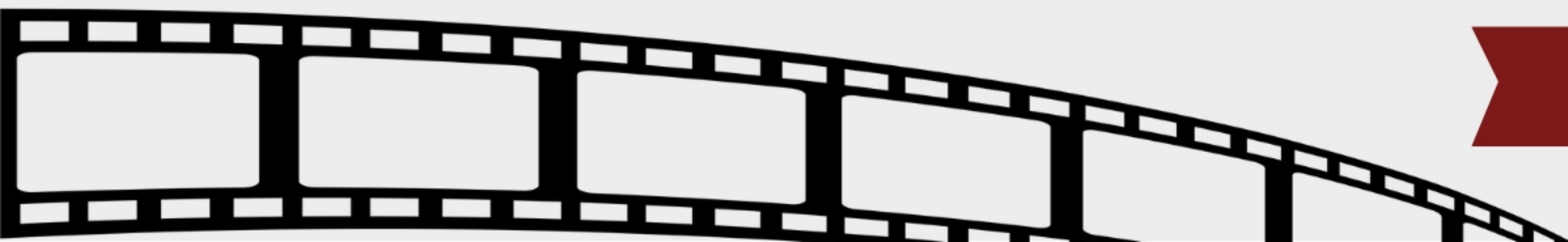
عنوان کار از سخن امام خمینی گرفته شده که گفته بود این ساختمان "سفارت" نیست بلکه لانه جاسوسی است. مستند تلاش می کند نشان دهد که این مکان ماهیت سیاسی و جاسوسی داشته تا صرفاً کارکرد دیپلماتیک.

یکی از نقاط تمایز مستند، استفاده از اسناد محرمانه و تصاویر آرشیوی است که پیش تر منتشر نشده بودند. این اسناد به برجسته کردن تفاوت بین روایت رسمی و روایت واقعی کمک می کند.

پیامدها و تأثیرات

در این مستند تأثیر حادّه بر روابط ایران و آمریکا را بررسی می کند که در آمریکا، این حادثه باعث شکست دولت کارتر در انتخابات شد و در ایران، به عنوان نماد استقلال طلبی و مقاومت در برابر سلطه خارجی شناخته شد. در پایان تأکید می کند که ماجرای تسخیر سفارت فقط یک اتفاق نبود. بلکه آغاز فصل تازه ای در تاریخ انقلاب ایران بود.

سلوا عزیزی





زهرا جعفری

آبان بود، و هوا بوی خزان میداد، اما در دل دانشگاه تهران، نسیم تازهای میوزید؛ نسیمی از خشم، غیرت و آگاهی. صبح سیزدهم آبان ۱۳۵۸، وقتی هنوز شهر در خواب بود، جمعی از دانشجویان مسلمان، آرام اما مصمم، گرد هم آمدند. آنان نه سلاحی داشتند، نه نقشه ای پیچیده؛ تنها ایمان به مردمشان، و باوری روشن به استقلال میهن. قدم به قدم به سوی سفارت آمریکا رفتند؛ ساختمانی که سالها در قلب تهران ایستاده بود و همه میدانستند آنجا فقط یک سفارت نیست...

مرکز هدایت جاسوسی علیه ملت ایران است. در آهنی شکسته شد، پرچم آبی و سرخ پایین کشیده شد و فریاد الله اکبر در خیابان طنین انداخت. پرونده هایی از دخالت ها، کودتاها و توطئه ها یکی یکی از اتاقها بیرون آمد. دنیا با ناباوری نگاه میکرد؛ چطور دانشجویانی بی سلاح توانستند یکی از مهمترین مراکز قدرت جهانی را در قلب تهران به زانو درآورند؟ آن روز، صدای تازهای متولد شد. صدای جوان ایرانی که دیگر نمی خواست تماشاگر تصمیم های بیگانه باشد.

۱۳ آبان فقط روز تسخیر یک سفارت نبود، روز تسخیر باور بود؛ باوری که میگفت ما میتوانیم روی پای خود بایستیم، تصمیم بگیریم و از آینده مان پاسداری کنیم.

و امروز، سالها بعد، هرچند شکل دیوارها عوض شده دیوار غفلت، بی اعتمادی، وابستگی به غرب یا ناامیدی اما همان روح در رگهای دانشگاه هنوز زنده است.

هر بار که دانشجویی قلم به دست می گیرد، حقیقتی را فریاد میزند، یا در برابر ظلم می ایستد، گویی بخشی از آن ۱۳ آبان را دوباره زنده میکند. ما فرزندان همان نسل ایم؛ نسلی که به دنیا نشان داد، استقلال را نمی شود صادر کرد یا خرید، باید از جان برایش مایه گذاشت.

۱۳ آبان، یادآور این حقیقت است که دانشجوی فقط درس نمی خواند؛ او تاریخ می سازد. و تا وقتی که در دانشگاه ها صدای پرسش و اندیشه بلند است، هیچ لانه ای، هرچقدر هم مستحکم، در برابر بیداری مردم دوام نخواهد آورد.

دانشجو

فقط

درس نمی خواند،

او تاریخ

می سازد.





فاطمه پایزچیان

آغاز غربت، طلوع بیداری

سخنرانی امام خمینی علیه کاپیتولاسیون و تبعید او به ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ ش، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ نهضت اسلامی ایران دانسته شده است. برخی دیگر نیز آن را، سرآغاز مرحله دوم رهبری نهضت اسلامی توسط ایشان معرفی می کنند. زمینه شکل گیری یا قضاوت ۲۱ مهر ۱۳۴۳ ش حسنعلی منصور نخست وزیر وقت حکومت پهلوی، طرحی در مجلس شورای ملی به نام کاپیتولاسیون کنسولی تصویب کرد. با تصویب این قانون، حکومت پهلوی به مستشاران آمریکایی ساکن در ایران مصونیت قضایی می داد که هیچ دادگاهی در ایران حق رسیدگی به جرمهای آنها را ندارد.

امام خمینی پس از اطلاع از تصویب این طرح، در ۴ آبان ۱۳۴۳ ش مصادف با ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۸۴ ق روز ولادت حضرت زهرا (س)، در منزل خود سخنرانی کرد. وی سخنرانی خود را با آیه استرجاع آغاز کرد که نشان از رسیدن مصیبت بزرگی بود. او سپس با تشریح پیامدهای قانونی شدن این طرح، به مردم، ارتش، علما و ... هشدار داد. آیت الله خمینی سکوت در مقابل چنین طرحی را گناهی کبیره و مملکت را در اشغال آمریکایی دانست که تمام گرفتاریهای مردم ایران به آن میرسد. پس از سخنرانی، نوار آن در سراسر ایران پخش شد و حتی بر اساس اسناد سازمان امنیت وقت از رادیوی عراق نیز پخش گردید.

پس از این سخنرانی، اعلامیه دیگری که سخنان امام خمینی در آن چاپ شده بود، در ۹ آبان ۱۳۴۳ ش نیز منتشر گردید. در این اعلامیه امام خمینی رأی مجلس را ننگین دانسته و آن را مخالف اسلام و قرآن ذکر کرد و کاپیتولاسیون را سند بردگی و اقرار به مستعمره بودن ایران دانست تبعید در شب ۱۳ آبان سال ۱۳۴۳ ش، مأموران حکومت پهلوی به دلیل سخنرانی و اعلامیه امام خمینی در مخالفت با قانونی شدن کاپیتولاسیون در ایران، به منزل او در قم رفتند و پس از دستگیری، او را به تهران و سپس با هواپیمای نظامی به ترکیه تبعید کردند. امام خمینی ابتدا در آنکارا و پس از مدتی در شهر بورسای ترکیه ساکن شد. پس از ۱۱ ماه زندگی، ترکیه تمایلی به ادامه حضور امام خمینی در آنجا نداشت؛ لذا وی در ۱۳ مهر ۱۳۴۴ ش ترکیه را ترک و به عراق منتقل شد.

رویای لاله در آغوش کاغذ

ابتدا یک کاغذ قرمز رنگ مربع بردارید و آن را از یک قطرش تا بزنید.

حالا کاغذ را برگردانید و آن را از یک طول تا بزنید.

حالا گوشه سمت راست و چپ مثلث را به رأس برسانید.

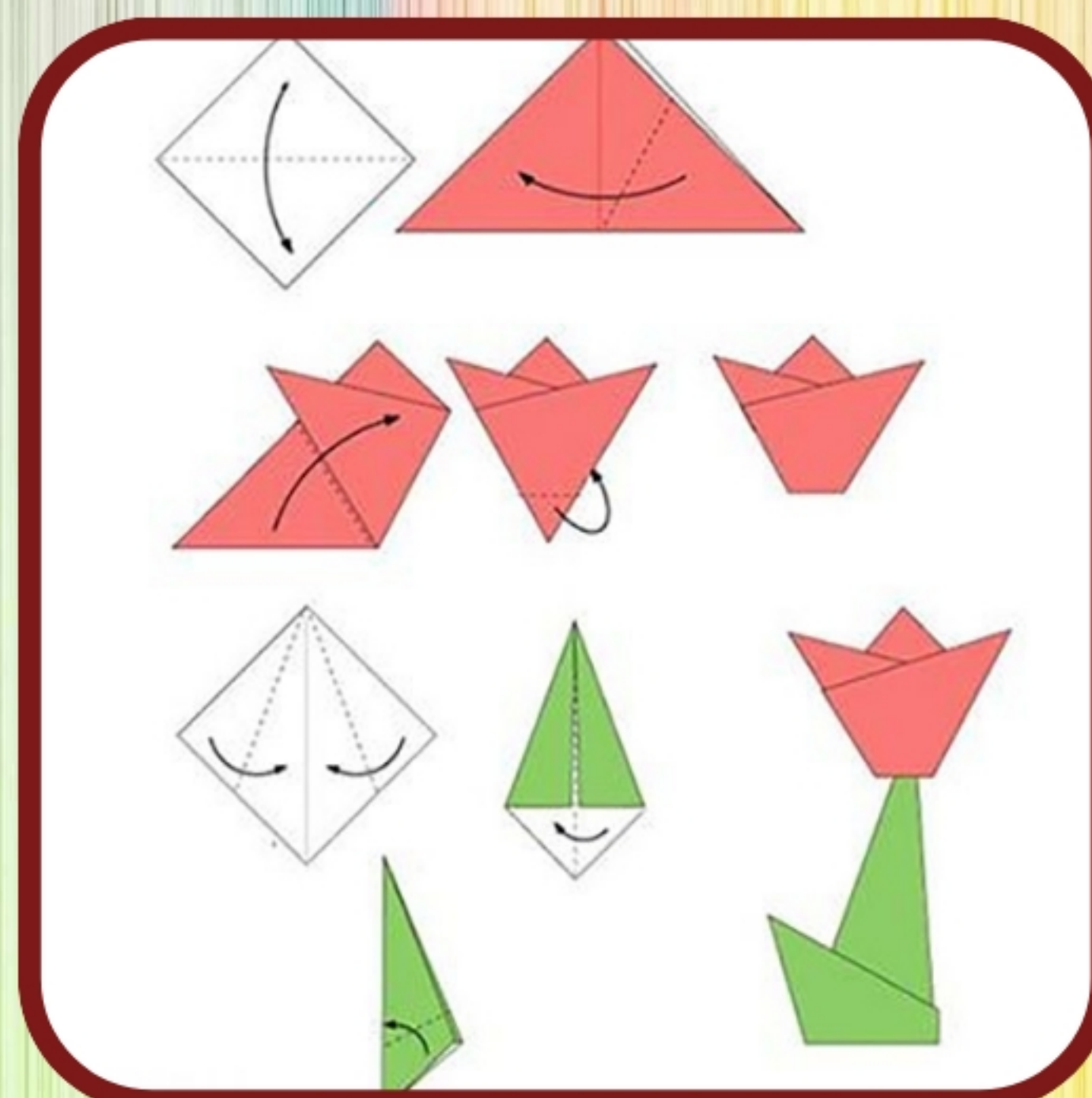
قسمت انتهایی را مطابق تصویر به داخل تا بزنید.

مربع را از قطر تا کنید و سپس ضلع های آن را به تایی قطری که زدید برسانید.

دو سرکار را به هم برسانید و تا کنید.

قسمت انتهایی کار را مطابق تصویر به داخل برگردانید.

در مرحله آخر، گل را به ساقه بچسبانید.



راه دانستن، آسان نیست؛
گاهی از دل سکوت می‌گذرد
و گاهی از میان طوفان.
دانشگاه اگر جرقه‌ای از بیداری نیفزوزد
دیگر مهد بیداری نیست،
خوابگاه اندیشه هاست.
اینجا گفت و گو میان ما و شما ادامه دارد...
پایان این شماره، آغاز شماره دیگری است...

پل ارتباطی

@mabouss @azzahra_basij

@admin_mabouss

ارتباط با ما (ایتا)